

ضرورت نگاه نظام‌مند به معارف قرآن با رویکرد تمدنی

محمدصادق یوسفی مقدم*

چکیده

نهاده‌های نظام‌سازی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرآن‌محور به منظور پشتیبانی و دفاع از آرمان‌های اسلامی با آموزه‌های وحیانی و ارائه الگویی موفق به جوامع اسلامی و جهانی، نیاز فوری و حیاتی جامعه اسلامی است. تحقق این هدف عالی متوقف بر کشف نظریه‌ها و گزاره‌های شکل‌گیری نظام‌های جامعه مبتنی بر معارف قرآن است. در بیانات مقام معظم رهبری، نظام‌سازی به عنوان کار بزرگ، دشوار، پیچیده و اصلی و به عنوان مطالبه اسلام مطرح شده است. طراحی و برنامه‌ریزی در حوزه مطالعات نظام‌سازی قرآنی افزون بر آنکه سبب اصلاح و ارتقای سیستم‌ها و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خرده‌نظام‌های زیرمجموعه آن‌ها می‌شود، سبب اثبات جنبه فراعصری و بطلان دیدگاه تاریخ‌مندی قرآن خواهد شد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ثابت شده است که برای ساخت تمدن اسلامی افزون بر لزوم تفسیر ترتیبی و نیز تفسیر موضوعی با نگاه شهید صدر، نگاه نظام‌مند به معارف قرآن، ضروری است؛ این ضرورت علاوه بر اینکه شواهد قرآنی دارد، در محورهایی نظیر نظریه عمومی سیستم‌ها ابزاری برای معرفی سیستم‌های قرآن، مقابله با سیستم‌های مبتنی بر تفکر لیبرالیستی در حوزه علوم انسانی، شناخت و جانمایی اصول از فروع در نگاه سیستمی به معارف قرآن و افزایش تأثیرگذاری مناسب قرآن بر تحولات اجتماعی با نگاه نظام‌مند به معارف قرآن، قابل پیگیری است.

واژگان کلیدی: نظام‌مندی، سیستم، نظام‌سازی، ضرورت، قرآن، تمدن.

* دانشیار گروه مطالعات تطبیقی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سطح ۴ فقه و اصول،

مقدمه

قرآن کریم همان کتاب جامع، جاودان و آخرین منبع وحیانی برای همه عرصه‌های زندگی بشر است که خداوند از یک سو آن را مایه حیات و سبب زنده‌دلی دانسته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال: ۲۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند بدانچه زنده‌تان می‌سازد». و از سوی دیگر آن را بیان‌کننده همه آنچه مورد نیاز مؤمنان است، قرار داده و بر هدایتگری، رحمت و بشارت آن تأکید کرده است: ﴿... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل: ۸۹)؛ «ای که بر تو نازل کرده‌ایم توضیح همه چیز و هدایت و رحمت و بشارت مسلمانان است»؛ و نیز آن را تأمین‌کننده نیازهای هدایتی و خوشبختی انسان در همه دوره‌ها و عرصه‌ها قرار داده است: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱)؛ «بسیار با برکت است آن خدایی که فرو فرستاد قرآن را بر بنده خود، تا جهانیان را بیم دهد»؛ و هرگونه کوتاهی و تفریط را از ساحت قرآن کریم سلب کرده: ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام: ۳۸) و تمسک به آن را سبب بیرون آمدن مردم از هرگونه ظلمت و گمراهی و رساندن آنان به نور و هدایت دانسته است: ﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ﴾ (ابراهیم: ۱).

بی‌تردید کشف به معنای استخراج و استنباط نظام‌های معرفتی و اجتماعی قرآن کریم و نیز نظام‌سازی به معنای اعم از تولید و عرضه نظام‌های فکری بشری بر قرآن و استخراج دیدگاه حکمیتی و داوری قرآن، از ابعاد مهم حیات‌بخشی، توسعه قلمرو بیانی، بهره‌بردن از هدایت، رحمت، بشارت و نورانیت قرآن کریم است؛ در طرف مقابل نگرش حاکم بر نظام‌های معاصر بشری بیشتر به جنبه مادی‌گرایانه انسان است و بر نفی دغدغه‌های بنیادین معنوی و معرفت‌های مبتنی بر وحی اصرار ورزیده و با غفلت از ابعاد معنوی، زمینه‌های انحطاط جوامع را فراهم ساخته است.

بی‌شک کشف و استخراج نظام‌های قرآنی، در کنار بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای مثبت نظام‌های بشری، از پیامدهای منفی و زیان‌بار نظام‌های مادی که موجب انحطاط، گمراهی، تبعیض‌های ناروا و بی‌عدالتی‌های فراوان گردیده است، جلوگیری می‌کند؛ نظام‌سازی، در بیان مقام معظم رهبری به عنوان کار بزرگ، دشوار، پیچیده و اصلی و به عنوان مطالبه اسلام، معرفی شده است: «آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌کنیم و درمی‌ابیم، این است که مطالبه اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است» (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

ایشان همچنین می‌فرماید:

نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است؛ نگذارید الگوهای لاییک یا لیبرالیسم غربی یا ناسیونالیسم افراطی یا گرایش‌های چپ مارکسیستی خود را بر شما تحمیل کند (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

نگاه نظام‌مند به معارف قرآن از جمله عوامل زمینه‌ساز این امر مهم است؛ مقاله حاضر با نگاهی تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که ضرورت‌های مطالعه نظام‌مند و سیستمی قرآن کریم با در نظر داشتن رویکرد تمدنی چیست؟

در پیشینه موضوع این مقاله با بررسی به عمل آمده، پایان‌نامه «روش‌شناسی نگرش سیستمی در تفسیر قرآن» (نرجس شاهمندی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۸) یافت شد که به تبیین نگرش سیستمی به قرآن در تفسیر پرداخته است؛ مؤلف این پایان‌نامه تأکید دارد که قرآن برای هر طالب حقی مخزن معارف عمیق است و برای راه‌ابی به این معارف، ابزاری روزآمد و مناسب لازم است که بتواند به مراد و منظور کتاب آسمانی قرآن نزدیک شود؛ نگرش سیستمی به عنوان نگرشی کل‌گرا می‌تواند ابزاری راه‌گشا برای بهره‌وری نظام‌مند از معارف قرآن باشد.

مقاله «نظریه سیستم‌ها و کارکردهای قرآنی آن» (محمد مهدی آجیلیان مافوق و دیگران، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۳۹۷، ش ۱۷) اثری دیگر در این زمینه است؛ نویسندگان در این نوشتار

با هدف تبیین جایگاه نظریه «سیستم‌ها» و کارکردهای آن در مطالعات قرآنی، کارکردهای قرآنی این نظریه را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده‌اند.

«تفسیر سیستمی قرآن کریم» (سیدمصطفی احمدزاده، ارائه شده در کنفرانس ملی تفکر سیستمی در عمل) نیز به چستی تفسیر سیستمی قرآن کریم پاسخ داده است. توجه به موارد فوق نشان می‌دهد ضرورت نگاه نظام‌مند به معارف قرآنی با نظر به بحث تمدن اسلامی از خلاءهای پژوهشی این حوزه مطالعاتی بوده و افزون بر آن نشان‌دهنده نوآوری محتوای این نوشتار در زمینه مطالعه نظام‌مند قرآن است.

۱. مفهوم نظام‌مندی

واژه نظم به معنای تألیف و گرد هم آوردن است و نظام بر وزن «فعال» اسم آلت به معنای نخی است که مروارید و مانند آن را منظم کرده و به رشته در می‌آورد و به هر ابزاری که سبب ایجاد مبدأ فعل نظم باشد نیز اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸). به کارگیری واژه نظام در هر معنای دارای نظم؛ مانند حکومت، قضاوت و هر اندیشه دارای نظم مانند نظام معرفتی، نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و هر طرح کلی و سیستمی، پربسامد است. برای شناخت مفهوم نظام و ترازمان، مناسب است به نظریه سیستم‌ها توجه شود؛ واژه «System» در لغت به معنی نظام، دستگاه، سیستم، قاعده فکری - فلسفی، دستگاه حکومت و ... آمده است (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹۹). سیستم مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آن‌هاست که توسط ویژگی‌های معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزاء با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند (رضاییان، ۱۳۸۳، ص ۵)؛ مانند یک کارخانه یا بدن انسان. این اجزاء در راه تحقق یک هدف، حرکت و یکدیگر را در جهت رسیدن به هدف، کامل می‌کنند. البته در فارسی معمولاً از واژه نظام به جای سیستم استفاده می‌شود.

واژه سیستم از اواخر قرن نوزدهم، به ویژه اوایل قرن بیستم از رشته علوم زیستی به حوزه علوم انسانی راه یافت و به نظریه عمومی سیستم ا معروف شد. بر اساس نظریه عمومی سیستم‌ها، سیستم‌ها در علوم انسانی نیز متکثر و متداخل‌اند؛ مانند نظام‌ها و سیستم‌های کلان

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که در درون خود بررسی‌سیستم‌هایی دارند و به نوبه خود زیرسیستم‌های سیستم کلان‌زیست انسانی هستند. نظریه عمومی سیستم‌ها گونه‌ای جدید از روش‌شناسی علمی و نگرشی نو و جامع به جهان است. بر این اساس سیستم مجموعه‌ای از اجزاء خرد و کلان به هم پیوسته است که بر یکدیگر تأثیرگذار و از یکدیگر تأثیرپذیرند و به صورت کل هدف‌دار، عمل می‌کنند. کلیت، هدف‌داری و برخورداری از سلسله مراتب از ویژگی‌های هر سیستم است.

۲. ضرورت نگاه سیستمی به قرآن کریم

هرچند قرآن در طول تاریخ تمدنی اسلام از نقش محوری برخوردار بوده است، اما در شرایط معاصر، احیای تمدن اسلامی اقتضا می‌کند افزون بر نگاه تجزیه‌ای و موضعی و نیز افزون بر مطالعات موضوعی که هر یک در ظرف خودش در حفظ و ارتقای تمدن اسلامی نقش‌آفرین بوده است، مطالعات نظام‌مند و سیستمی به قرآن کریم شکل گیرد و توسعه پیدا کند. چنان‌که در گذشته نگاه تجزیه‌ای و موضعی به قرآن کریم جریان داشت و سپس با تحول در عرصه مطالعات قرآنی، تفسیر موضوعی جایگاه شایسته و مؤثری پیدا کرد، اکنون افزون بر سبک‌های تفسیری ترتیبی و موضعی، لازم است از سبک سیستمی بهره گرفته و با این روش با معارف قرآن مواجه شویم.

اکنون مناسب است به طور خلاصه ویژگی‌های تفسیر ترتیبی و موضعی و هدف آن‌ها مرور شده و سپس ویژگی‌های تفسیر سیستمی و تفاوت‌های آن با دو سبک یادشده بیان شود.

۲-۱. سبک تفسیر ترتیبی

تاکنون تفسیر دارای دو سبک اصلی با عنوان سبک ترتیبی و موضعی بوده است؛ شهید صدر از سبک ترتیبی به «الاتجاه التجزیئی فی التفسیر» و از سبک موضعی به «الاتجاه التوحیدی أو الموضوعی فی التفسیر» یاد می‌کند (صدر، بی‌تا، ص ۹-۱۰). مفسر در سبک ترتیبی در پی تفسیر هر یک از آیات به صورت جداگانه و تدریجی است که از نخستین آیه سوره فاتحه شروع شده و در آخرین آیه از سوره ناس پایان می‌یابد؛ در برخی موارد تفسیر ترتیبی بر اساس

ترتیب نزول صورت گرفته است. در انجام این سبک هر مفسر به میزان توانایی خود از ابزار، مناهج تفسیری و سیاق آیه یا آیات برای فهم آیه مورد بحث کمک می‌گیرد (همان). هدف در تفسیر ترتیبی، روشنگری و تبیین مفهوم و یا مقصود هر یک از آیات با توجه به سیاق و محدوده آن آیات است؛ در این سبک ممکن است مفسر از روش تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت، تفسیر قرآن با عقل و یا از روش اجتهادی جامع (از همه روش‌ها و منابع تفسیری) کمک بگیرد، اما هیچ‌گاه مفاد آن آیه در سیستم و ساختاری منظم لحاظ نمی‌شود. به تعبیر شهید صدر در تفسیر تجزیئی، بسیاری از معارف و مفاهیم قرآنی به صورت پراکنده حاصل می‌شود، زیرا غرض کشف ارتباط و علاقه میان آیات و در نتیجه بیان نظریه قرآن نیست، هرچند برخی از آیات ظرفیت استحصال نظریه دینی دارند؛ (همان، ص ۱۲) چنانکه آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) به تنهایی اثبات‌کننده عصمت اهل بیت علیهم‌السلام و تقدم دیدگاه‌های آنان در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾؛ «جز این نیست که خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت (پیامبر) هرگونه پلیدی را بزدايد و شما را به همه ابعاد پاکی، پاکیزه گرداند».

مفسران بر این باورند که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر، امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام، حضرت زهرا و ذریه پاک آنها علیهم‌السلام است (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۹ و بلاغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۷ و طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۱). خداوند در این آیه با تعبیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ﴾ که از قوی‌ترین ادات حصر بوده و از معنایی ایجابی یعنی اثبات تطهیر برای اهل بیت علیهم‌السلام به اراده خدا و معنایی سلبی یعنی نفی تطهیر از غیر آنان، (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۳۱) تکوینی بودن اراده‌اش بر طهارت و حصر آن به اهل بیت علیهم‌السلام را بیان کرده است و بسیاری از دانشمندان اهل سنت نیز در ضمن بیان روایاتی به این معنا اعتراف کرده‌اند (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۸۶ و حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۱۹ و ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۳۶۶-۳۶۷).

بر این اساس، آیه یاد شده به تنهایی تقدم، حجیت و مرجعیت اهل بیت علیهم‌السلام را در همه تشریحات الهی ثابت می‌کند.

همچنین آیه اطاعت (نساء: ۵۹) که بر اساس آن خداوند، رسول و اولی الامر بر همه مؤمنان،

ولایت مطلقه دارند و اطاعت آنان به صورت مطلق واجب است، شاهد دیگر این مدعاست؛ خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾. امر «أَطِيعُوا» در آیه، مولوی نیست و ارشاد است به حکم عقل؛ یعنی از نظر عقل، اطاعت خداوند واجب است، زیرا یضی به هر چیزی و هر کسی از فیاض علی‌الاطلاق است. نیز اطاعت رسول ﷺ به حکم عقل واجب است، زیرا هرچه می‌گوید از جانب خداست: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾ (نجم: ۳ و ۴)؛ پیامبر اکرم ﷺ از همه معاصی معصوم است و سهو، نسیان و اشتباه در او راه ندارد؛ تفسیر «أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» به امیران، پادشاهان و عالمان باطل است؛ چگونه عقل به اطاعت یزید و مانند آن حکم می‌کند درحالی‌که اطاعتشان عین مخالفت حق و موجب تناقض با اطاعت حق است؛ همچنین این آیه به اطاعت عالمان نیز امر نکرده است؛ زیرا حتی اگر عالمان عادل باشند و با استناد به مستندات صحیح استنباط کنند، خالی از اشتباه و چه بسا جهل به بسیاری از احکام نیستند؛ از این رو چگونه عقل به لزوم اطاعت آن‌ها حکم کند؟! بنابراین اولی‌ا اید کسانی باشند که احتمال کذب، خطا و نسیان در آن‌ها راه نداشته باشد تا عقل به اطاعت آن‌ها حکم کند و این اطاعت مخصوص معصومان عليهم السلام است و این به تنهایی نظریه عصمت امامان معصوم عليهم السلام را اثبات می‌کند.

۲-۲. سبک تفسیر موضوعی

در سبک تفسیر موضوعی، روش مطالعاتی مفسر تسلسلی و به صورت آیه به آیه نیست، بلکه آیات مربوط به یک موضوع را گردآوری کرده و با بررسی و شناخت ابعاد دلالت آن آیات بر موضوع مورد نظر، در پی کشف نظریه قرآن درباره آن موضوع است (صدر، بی‌تا، ص ۱۳). در

۱. جابر بن عبد الله انصاری صحابی رسول الله ﷺ در این مورد این‌گونه روایت می‌کند: «لما انزل الله عز و جل علی نبیه محمد صلى الله عليه وسلم یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، قلت یا رسول الله عرفنا الله و رسوله فمن اولو الامر الذین قرن الله طاعتهم بطاعتک فقال صلى الله عليه وسلم: هم خلفائی یا جابر و ائمة المسلمین من بعدی اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسن ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر سندرکه یا جابر فاذا لقینته فاقرأه منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمی و کتبی حجة الله فی ارضه و بقیته فی عبادته ابن الحسن ابن علی ذاک الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق الارض و مغاربها ذاک الذی یغیب عن شیعتہ و اولیائه غیبة لا تثبت فیها علی القول بامامتہ الا من امتحن الله قلبه للایمان».

این سبک فرقی نمی‌کند که موضوع از موضوعات مصرح و مصطلح قرآنی باشد؛ مانند کرامت انسان، جهاد، نفی سلطه بیگانه، تقوا، ایثار، احسان و... یا موضوعی منتزع باشد؛ مانند موضوع التقاط و یا موضوعی بیرونی و از مسائل و واقعیات روز جوامع بشری و از نیازهای اعتقادی، اجتماعی، تکوینی، تشریحی و... باشد.

برخی از اندیشمندان در روش و تعریف تفسیر موضوعی همان نگاه عام را برگزیده و گفته‌اند: تفسیر موضوعی به معنای آن است که مراد خدا از آیات مربوط به موضوع واحد به قدر دانش و طاقت بشری استخراج شود» (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۳۵). در این سبک، مفسر پس از جمع‌آوری آیات مربوط به یک موضوع معین و دسته‌بندی روشمند آن‌ها، معارف و مقاصد هر یک از آیات را استخراج کرده و شرح و جمع‌بندی می‌کند؛ اما بر اساس دیدگاه شهید صدر در تفسیر موضوعی افزون بر آنکه باید موضوع از موضوعات کلان و واقعی زندگی اجتماعی باشد و از بیرون به قرآن عرضه شود، مجموع آیات مرتبط و مشترک با موضوع مورد نظر انتخاب و پس از شناخت مفاهیم و هماهنگی میان آن‌ها، نظریه قرآنی درباره آن موضوع استخراج می‌شود (صدر، بی‌تا، ص ۳۶).

به گفته برخی محققان در نظر شهید صدر، یافتن موضوع از وقایع زندگی، وجه افقی روش موضوعی و دست‌یابی به نظریات اساسی، وجه عمودی روش تفسیر موضوعی است؛ تأکید وی بر این است که نظریات اساسی باشند و نظریات جزئی در گستره تفسیر به روش موضوعی وی جایی ندارند؛ چنان‌که تفسیر موضوعی را تنها راه دست‌یابی به نظریات اساسی اسلام و قرآن در مواجهه با موضوعات گوناگون زندگی می‌داند (بهمنی، ۱۳۹۷، ص ۵۵).

وی این نکته را افزوده که شهید صدر همچنین در تبیین روش تفسیر موضوعی می‌گوید: پژوهشی است که یکی از موضوعات اعتقادی و اجتماعی زندگی یا جهان را مطرح می‌کند و با هدف دست‌یابی به نظریه‌ای قرآنی از دیدگاه قرآن کریم به بررسی و ارزیابی آن می‌پردازد (همان، ص ۲۷). وی افکار و رویکردهای بشری را نیز در زمره خاستگاه شناخت موضوع می‌داند (همان، ص ۲۹)؛ چنان‌که یکی از وجوه توحیدی بودن تفسیر موضوعی را ایجاد وحدت میان تجربه بشری و قرآن کریم می‌داند؛ البته تأکید می‌کند که این وحدت به معنای تحمیل

تجربه بشری بر قرآن و خاضع کردن قرآن در برابر آن نیست؛ بلکه به مفهوم اتحاد میان آن‌ها در پیشبرد بحث است تا در این سیاق، مفهوم قرآنی تعیین‌کننده دیدگاه قرآن در برابر تجربه بشری استخراج شود (همان، ص ۳۵). او بر پیشینه‌شناسی تجربه‌ها و اندیشه‌های بشری نیز تأکید دارد (همان، ص ۲۹). به گفته وی روش و تعریف تفسیر موضوعی از نظر شهید صدر عبارت است از «پژوهش قرآنی مسئله‌محور جامع اجتهادی منتج به نظریه» (همان، ص ۵۷).

برخی محققان در تبیین فلسفه نیاز به تفسیر موضوعی می‌گویند: در قرن چهاردهم قمری توجه قرآن‌پژوهان به کاستی‌های تفسیر ترتیبی در ایفای نقش مورد انتظار از قرآن، زمینه‌های لازم را برای رویکردی نو در تفسیر قرآن فراهم آورد و به ابداع شیوه‌ای متفاوت انجامید که از آن به تفسیر موضوعی تعبیر می‌شود. برخی قرآن‌پژوهان معاصر آن را تنها شیوه مطلوب پاسخ‌گویی به پرسش‌های جهان کنونی می‌دانند؛ گویی دانش تفسیر در مسیر تطور و تحول تاریخی خود متناسب با اقتضائات عصر جدید به تکامل رسیده و به تفسیر موضوعی ارتقا یافته است. پیروان این شیوه تفسیری از آن‌رو تفسیر موضوعی را ضروری می‌دانند که نیل به بسیاری از اهداف مهم و اساسی اسلام مانند پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای عصری، تبیین برتری، جامعیت، جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن، اثبات نظام‌وارگی معارف قرآن، امکان دست‌یابی به نظریه قرآن در عرصه‌های گوناگون دانشی را با ابتننا بر این شیوه تفسیری امکان‌پذیر می‌دانند (حسینی، ۱۴۰۰، ص ۳۳).

۳. مطالعات نظام‌سازی قرآنی زیر ساخت تمدن نوین اسلامی

نقطه آغاز شکوفایی علوم و تمدن اسلامی با همه فراز و فرودهایش قرآن کریم است؛ علوم ادبی، تفسیری، بلاغی، کلامی، فقهی و علوم قرائت و مانند آن از دامن قرآن کریم پدید آمده و توسط دانشمندان مسلمان بالیده و رشد یافته است؛ چنان‌که نخستین شهری که در آن جوشش علمی از مساجد آغاز شد و راه را برای رشد و توسعه علمی بشر باز کرد، شهر مدینه بود.

مطالعات تفسیری- ترتیبی، موضوعی و موضوعی- ترتیبی در قرن چهاردهم با طرح موضوعات روزآمد و مورد نیاز جوامع در محورهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، پیشرفت

چشمگیری نسبت به گذشته یافته است؛ مفسران هر یک با گرایش‌های گوناگون فقهی، نقلی، عقلی، علمی، فلسفی، کلامی، اخلاقی، تربیتی، ادبی، بلاغی، اجتماعی و طبیعی و با مناہج متفاوت، آیات قرآن را شرح و تبیین نموده و میراثی ارجمند به یادگار گذاشته‌اند؛ بی‌تردید این تفاسیر کمک بسیاری به رشد فکری و اجتماعی جوامع اسلامی نموده و آنان را در رویارویی با نظام سلطه یاری کرده است.

با این‌همه امروزه که بشر در چارچوب نظام‌های فکری کلان و خرد به هم پیوسته زندگی می‌کند، اکتفا به سبک‌های تفسیری یادشده، معارف قرآن و سنت را در مقابله با افکار سیستماتیک مادی به طور کامل به موفقیت نمی‌رساند و تنها راه موفقیت، نگاه نظام‌مند به معارف قرآن کریم و استخراج نظام‌های معرفتی و فکری آن و عینیت‌بخشیدن به آن نظام‌هاست؛ البته کاستی‌های تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی رایج در ایفای نقش مورد انتظار از قرآن، با توجه به ضرورت احیای تمدن اسلامی و نیازهای امروزی جوامع اسلامی، زمینه‌های لازم را برای پیدایش رویکرد سیستمی به تفسیر قرآن فراهم آورده است؛ در این رویکرد، بر اثبات نظام‌وارگی مفاهیم و معارف قرآن و به هم‌پیوستگی نظام‌های گوناگون آن و امکان دست‌یابی به نظریه‌های قرآنی در عرصه‌های گوناگون دانشی و تمدنی تأکید بیشتری می‌شود؛ حال آنکه تفسیر موضوعی و نیز نظریه تفسیری شهید صدر با همه درخشش ویژه‌ای که داشته و روشی کارگشا در عرصه استنطاق مسائل جامعه از قرآن کریم بوده است، نسبت به نظام‌وارگی معارف درون متن و ارتباط آن نظام‌ها با یکدیگر و میزان تأثیر و تأثر آن‌ها از یکدیگر خاموش است و از مطالعه دیدگاه تفسیری وی آشکار می‌شود که ایشان در صدد اثبات سیستم‌های درون قرآن کریم نیست، بلکه اساس نظریه ایشان این است که مسئله‌ای بیرون از قرآن و البته واقعی و مرتبط با حیات اجتماعی به قرآن عرضه شود و با نظام‌مند کردن آیات مربوط به همان مسئله، نظریه قرآن کریم استخراج گردد.

به تحقیق، مفسران و محققان قرآنی از دیرباز نگاه سیستمی به قرآن کریم داشته‌اند؛ چنان‌که علامه طباطبایی همه معارف قرآنی را به سه اصل توحید، نبوت و معاد برگردانده و ویژگی‌های این سه اصل را در ارتباط با هدایت و اصلاح دنیا و آخرت انسان می‌داند. رشید رضا نیز هدف

از نزول قرآن را بازگویی ده هدف اساسی دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰). سعید حوی سوره بقره را فهرست‌واره مباحث قرآن و دیگر سوره‌ها را شرح معارف آن می‌داند (سید حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۶۴-۶۱).

همچنین آیت الله جوادی آملی در باره انسجام قرآن می‌گوید:

خدای سبحان وحدت و انسجام قرآن کریم را در آیاتی به وحدت و انسجام جهان هستی و آفرینش تشبیه کرده و می‌فرماید: همانطور که در جهان آفرینش هیچ‌گونه ناهماهنگی و فطوری وجود ندارد: ﴿هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ﴾ (ملک: ۳)، بلکه انسجام و هماهنگی بی‌نظیری سراسر عالم را دربرگرفته، قرآن کریم نیز فاقد اختلاف و تضاد درونی [است] و کلام یکپارچه الهی است که آیات گذشته و آینده‌اش مضامین یکدیگر را تایید می‌کنند و زمینه را برای دیگری فراهم می‌سازند. هماهنگی آیات به گونه‌ای است که اگر یکی از آن‌ها را حذف کنیم، مثل آن است که همه آیات را حذف کرده باشیم (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۴).

اما باید توجه داشت که هرچند این دیدگاه به نوعی حاکی از نظام‌مندی معارف قرآن کریم است، ولی هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها به معنای استخراج نظام‌های فکری و یا معرفتی قرآن کریم نیست؛ حال آنکه نیاز فوری و حیاتی جوامع اسلامی استخراج و نهادینه سازی نظام‌های فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرآن‌محور به منظور پشتیبانی از آرمان‌های اسلامی و رویارویی با نظام‌های فکری مادی است. تحقق این هدف عالی متوقف بر کشف نظامات جامعه از متن قرآن کریم با استفاده روشمند از منابع و ظرفیت‌های موجود و بالقوه علمی است.

از این رو مطالعه و استخراج نظام‌های قرآنی افزون بر آنکه سبب اصلاح و ارتقای سیستم‌ها و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خرده‌نظام‌های زیرمجموعه آن می‌شود و نیز سبب اثبات جنبه فراعصری و بطلان دیدگاه تاریخ‌مندی قرآن کریم خواهد شد، سبب احیای تمدن اسلامی نیز می‌شود، زیرا احیای تمدن اسلامی ممکن نیست، مگر آنکه مبانی و زیرساخت‌های فکری تمدن اسلامی فراهم آید. بدیهی است تمدن تنها زندگی شهری و اجتماع

انسان‌ها در یک شهر و منطقه نیست، بلکه تمدن، بعد عینی نظام‌های فکری جوامع بشری است که در قالب قوانین، سبک زندگی و مدیریت شهری و کشوری شکل یافته و متناسب با رشد و توسعه زندگی بشر ارتقا می‌ابد.

تمدن غربی مبتنی بر نظام‌ها و سیستم‌های فکری لیبرالیستی سبب انحراف جوامع بشری و اسلامی شده است و بهترین راه مقابله با آن‌ها نگاه نظام‌مند به مفاهیم قرآن کریم و استخراج نظام‌های مورد نیاز انسان از آن و یا عرضه نظام‌های موجود به قرآن با هدف استکمال آن‌ها و یا میزان قضاوت دانستن قرآن کریم با هدف مقایسه و انتخاب نظریه برتر است. یادآور می‌شود که کشف و استخراج نظام‌های فکری قرآن کریم و نیز نظام‌سازی قرآنی، شامل تولید و عرضه نظام‌های بشری بر قرآن و استخراج دیدگاه حکمیتی و داوری قرآن کریم است.

۴. دلایل اجتناب ناپذیر بودن نگاه سیستمی به قرآن در ساخت تمدن اسلامی
بر اساس آنچه بیان شد نگاه نظام‌مند و سیستمی به قرآن کریم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در ساخت تمدن اسلامی است.

۴-۱. نظریه عمومی سیستم‌ها ابزاری برای معرفی سیستم‌های قرآن
بر اساس تعریف یادشده از نظریه عمومی سیستم‌ها، این نظریه می‌تواند به عنوان ابزاری جهت معرفی سیستم‌های قرآن کریم به‌کار گرفته شود و نظام‌مندی مفاهیم خرد و کلان قرآن کریم شناسایی و معرفی گردد. این سبک برداشت از قرآن کریم فهمی نوین از قرآن ارائه می‌دهد و ابزاری راهگشا برای بهره‌وری نظام‌مند از معارف قرآن در ساخت تمدن اسلامی است.

۴-۲. مقابله با سیستم‌های مبتنی بر تفکر لیبرالیستی در حوزه علوم انسانی
مکاتب و نظریات نظام‌مند غیرهمسو و یا مخالف قرآن کریم در تصورات، ساختار اندیشه، دانش‌ها و در نهایت در شکل‌گیری الگوی سبک زندگی فردی و اجتماعی اثرگذار است و در دوران معاصر به دلیل رشد تکنولوژی ارتباطات، تأثیر بیشتری دارند. به عبارت دیگر نظام‌ها و سیستم‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بسیاری از خرده‌تم‌ها ابتداء بر

تفکر لیبرالیستی در حوزه علوم انسانی در برابر معارف اصلی و فرعی قرآن کریم خودنمایی می‌کنند و در بسیاری از موارد سبب انحراف جوامع بشری و اسلامی شده‌اند و بهترین راه مقابله با آن‌ها نگاه نظام‌مند به مفاهیم قرآن کریم و استخراج نظام‌های مورد نیاز انسان از آن و یا عرضه نظام‌های موجود به قرآن با هدف استکمال آن‌ها و یا میزان قضاوت دانستن قرآن کریم با هدف مقایسه و انتخاب نظریه برتر است.

بدیهی است نگاه تجزیه‌ای و موضعی و نیز تفسیر موضوعی قرآن کریم افزون بر آنکه ما را از دستیابی به نظام‌مندی و نظام‌های قرآن محروم می‌کند، سبب رهایی جامعه اسلامی از نظام‌های گمراه‌کننده فکری و معرفتی لیبرالیستی و مادی‌گرا نمی‌شود و این کار با رسالت اصلی قرآن کریم در تعارض است؛ زیرا قرآن کریم برای هدایت عموم مردم از گمراهی‌ها نازل شده است: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره: ۱۸۵) و نمی‌تواند انسان‌ها را در گمراهی نظام‌های مادی رها کند؛ بر اساس برخی آیات، قرآن کریم نور است: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ﴾ (مائده: ۱۵) پس باید انسان را از وادی ظلمت حاکم بر نظام‌های بشری به سوی نور و روشنایی هدایت کند تا به وسیله قرآن حق از باطل شناخته شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۲۷۰). بدیهی است رها کردن انسان‌ها در افکار ظلمانی مادی و لیبرالیستی با فلسفه نور بودن قرآن کریم هم‌سوئی ندارد.

۳-۴. شواهد قرآنی بر نظام‌مند بودن معارف قرآنی

قرآن کریم خود دلالت دارد بر اینکه این کتاب الهی نظام‌مند و برخوردار از یک سیستم کلان است؛ برای مثال نگاهی به تفسیر آیه ۲۴ سوره ابراهیم این مطلب را روشن می‌کند: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾؛ فعل «ضَرَبَ» به یک مفعول متعدی شده است و «كَلِمَةً» منصوب است به فعل مُقَدَّری مانند جعل و معنای آیه چنین می‌شود: آیا ندیدی که خداوند برای کلمه طیبه چگونه مثال زده است؟ او کلمه طیبه را مانند درختی پاک که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌هایش در آسمان است قرار داده است. علامه طباطبایی این معنا را بهترین معانی دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۱). در اینکه مراد از کلمه طیبه شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»،

ایمان، قرآن، مطلق تسبیح و تنزیه، ثناء بر خداوند به صورت مطلق، هر کلمه نیکویی، مجموع طاعات و یا مؤمن است، اختلاف نظر است. علامه طباطبایی می‌وید:

مراد از کلمه طیبه، کلمه توحید، و شهادت به یگانگی خداوند و استقامت بر آن است که از هر تغیر، زوال و بطلان، مصون است. فروع و شاخه‌های اصل توحید (عقاید حق فرعی، اخلاق پسندیده و اعمال شایسته) که رونق بخش زندگی پاک مؤمن و کل بشریت است، بدون هیچ مانعی از آن اصل جوانه زده و سرچشمه گرفته است (همان، ص ۵۱-۵۳).

حق آن است که هر چند کلام علامه حاکی از نگاه نظام‌مند ایشان به معارف قرآن کریم است و توحید، اصلی است که همه فروع به آن پیوسته و به آن برمی‌گردد، ولی با توجه به مبنای خود وی که کلمه طیبه را منصوب به فعل جعل می‌داند، نمی‌توان پذیرفت که مراد از کلمه طیبه، توحید است؛ زیرا یکتایی خداوند نمی‌تواند امر مجعولی باشد، بلکه ظاهر آیه بیانگر آن است که کلمه طیبه در این آیه، مجعول مرکبی است که هم اصل و هم فرع دارد و این اصل و فرع نه به تحلیل، که بالفعل در خارج، موجود است؛ از این رو باید گفت - چنان‌که برخی گفته‌اند - مراد از کلمه طیبه، قرآن کریم است (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۴۴) که مانند یک درخت دربردارنده اصول و فروع به هم پیوسته است. بر اساس این آیه، قرآن کریم یک سیستم و نظام دیده شده است و تشبیه به شجره طیبه استعاره از سیستم است؛ اما آنچه در روایت آمده است که اصل و فرع را به پیامبر ﷺ و اهل بیت  تطبیق داده است، از باب جری و تطبیق قرآن است.^۱

نیز آیه ۸۲ سوره نساء بیانگر عدم اختلاف در کتاب الهی است: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۸۲)؛ دلیل اینکه آیات قرآن با یکدیگر

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْعُبَيْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الدِّيَرِيِّ عَنِ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... قَالَ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ إِنَّ مَثَلُ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ الْإِيمَانُ أَصْلُهَا وَ الصَّلَاةُ عُزْوُوقُهَا وَ الزَّكَاةُ مَاؤُهَا وَ الصَّوْمُ سَعْفُهَا وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَرَقُهَا وَ الْكُفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ ثَمَرُهَا فَلَا تَكْمُلُ شَجَرَةٌ إِلَّا بِالثَّمَرِ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَكْمُلُ إِلَّا بِالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ»؛ شنیدم که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: دوستم جبرئیل گفت: مثل این دین همانند درختی است پایدار که ریشه آن ایمان و رگهایش نماز و آب آن زکات و شاخه آن روزه و برگش خوش خلقی و میوه‌اش خودداری از محرمات است، درخت کامل نگردد، مگر به میوه‌اش؛ همچنین ایمان کمال نیابد مگر به خودداری از محرمات» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۲۰۷).

تناقض، تدافع و ناسازگاری و تفاوت در بیان، معنا و مقصود ندارند و آیات جدید آیات گذشته را تصدیق کرده و هر یک شاهد دیگری است، آن است که قرآن از ناحیه خدای متعال است و در غیر این صورت قرآن بدون اختلاف نبود؛ زیرا هر موجودی در عالم در امتداد زمان، وجود و حالاتش دگرگون می‌شود و تکامل پیدا می‌کند و هر انسانی به حکم طبیعت حاکم بر آحاد بشر، امروز عاقل‌تر از دیروز و رأی و عمل امروزش پخته‌تر و محکم‌تر از دیروز است و این اختلافات بسیار است؛ حال آنکه معارف و مفاهیم قرآن در طول نزول و حالات مختلف سفر و حضر، جنگ و صلح، ضراء و سراء، از حیث بلاغت و اعجاز با یکدیگر فرقی ندارند و حکمت‌ها و قوانین اجتماعی و فردی آن دستخوش تغییر و تحول نشده است و آنچه در آخر نازل شده است، ناظر است به آنچه در اول نازل شده است و جزئیاتش به اصول و تفصیل شرایعش با تحلیل به حقیقت توحید برمی‌گردد؛ از این رو انسان متدبر به حکم فطرت خود حکم می‌کند که چنان‌که گذشت ایام و تحول و تکامل حاکم بر عالم بر صاحب این کلام اثر نمی‌گذارد، کتاب او نیز نسخ، ابطال، تکمیل، تهذیب و حکم علیه خودش را نمی‌پذیرد و لازمه این معنا استمرار شریعت اسلامی تا روز قیامت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۰ و ۲۱) و این عدم اختلاف در قرآن به طور آشکار نشانه ارتباط و پیوستگی آیات قرآن و مفاهیم آن با یکدیگر است و با تأمل در تحلیلی که بیان شد، مشخص می‌شود آیه یادشده بر نظام‌مندی معارف الهی نیز دلالت دارد و خداوند از ما تدبر در قرآن، شناخت عدم اختلاف و به هم پیوستگی آیات و نظام‌های قرآنی را مطالبه کرده است: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾.

۴-۴. شناخت و جانمایی اصول از فروع از ویژگی‌های نگاه سیستمی به معارف قرآن

شناخت و جانمایی اصول از فروع مسئله راهبردی نگاه سیستمی به دین است و اینکه نباید اصول و فروع را با هم اشتباه گرفته و از اصول غفلت کنیم؛ چنان‌که از حضرت امیر علیه السلام نقل شده که می‌رماند: «انسان عقل است و صورت، پس هر که عقل از او روی‌گردان شود و صورت آد با او بماند، کامل نیست و همچون کسی است که روح ندارد»: «الْإِنْسَانُ عَقْلٌ وَ صُورَةٌ فَمَنْ أَخْطَأَهُ الْعَقْلُ وَ لَزِمَتْهُ الصُّورَةُ لَمْ يَكُنْ كَامِلًا وَ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ لَا رُوحَ فِيهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵،

ص ۷)؛ همچنین آن حضرت عامل سقوط دولت‌ها را چهار چیز دانسته است: ضایع گذاردن اصول (مسائل اساسی)، چسبیدن به فروع (امور غیر مهم و تشریفات)، پیش انداختن ارادل (فرومايگان) و کنار زدن افاضل (پرمايگان و آگاهان)؛ «يَسْتَدِلُّ عَلَيَّ اِدْبَارِ الدُّوَلِ بِارْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْاَصُوْلِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوْعِ وَ تَقْدِيْمِ الْاَرَادِلِ وَ تَاخِيْرِ الْاِفَاضِلِ» (خوانساری، ۱۱۲۲ ق، ج ۶، ص ۴۵۱). تشبیه انسان به عقل و صورت و اینکه هر که عقل از او روی‌گردان شود و صورت آدمی با او بماند، کامل نیست و مانند کسی است که روح ندارد و اینکه ضایع گذاردن اصول و چسبیدن به فروع از اسباب نابودی دولت‌هاست، بیانگر اهمیت تفکیک اصول از فروع است و به ما می‌آموزد که اگر اصول قرآن را از فروع آن تفکیک نکنیم، به روح قرآن دست نمی‌یابیم؛ روشن است که جانمایی اصول از فروع، یکی از ویژگی‌های نگاه سیستمی به معارف قرآن کریم است.

۴-۵. تأثیر قرآن بر تحولات اجتماعی در گرو نگاه نظام‌مند به معارف قرآن

نگاه نظام‌مند به مفاهیم آیات قرآن کریم اشراف و تأثیر گذاری صحیح و مناسب قرآن بر تحولات اجتماعی را افزایش می‌دهد، چنان‌که نگاه موضعی به آیات تأثیر پذیری از تحولات و تطبیق قرآن بر شرائط و حوادث زمان را افزایش می‌دهد؛ به طور مثال آیه ۵۹ سوره نساء ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾، بر مبنای تفکر کلامی شیعی، بر وجوب اطاعت از اولی الامر به صورت مطلق دلالت دارد؛ این آیه مبنای اصلی ساخت حکومت است و این امر را که از چه کسی و با چه شرایطی باید اطاعت کرد، روشن کرده است. در برابر می‌بینیم که (صرف نظر از تحولات تاریخی خلافت) امام محمد شافعی آیه ۱۱۵ نساء ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ﴾ که مخالفت با مؤمنان را مانند ترک ایمان مذمت کرده و آن را در ردیف مخالفت با پیامبر اکرم ﷺ قرار داده است، دلیل بر صحت و حجیت اجماع دانسته است (جصاص، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۲۲۸)؛ او این استدلال را در پاسخ به این سؤال که چه دلیلی بر حجیت اجماع دارد (و برای توجیه شرعی خلافت و مصداق سازی برای اولی الامر) آورده است؛ برخی نقل کرده‌اند که شافعی سی صد بار قرآن را مطالعه کرد تا فهمید این آیه دلیل حجیت اجماع است (درویش، ۱۴۱۵ ق، ج ۲،

ص ۳۲۲). روشن است که او در مواجهه با یک واقعیت تاریخی و متأثر از آن، در یک برداشت موضعی، قرآن را بر آن تطبیق داده است. در مقابل، متفکران دهه بیست پیش از فروپاشی خلافت عثمانی افزون بر دمیدن در تفکر ناسیونالیستی، سعی در تغییر دین شناسی مسلمانان کرده و با این ادعا که روا نیست خدا ما را مجبور کند از کس دیگری اطاعت کنیم، آیات شورا را مورد توجه قرار دادند؛ مثل آیه معروف ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾؛ در این مورد سنی و شیعه عملکرد یکسانی داشته‌اند.

۵. دستاوردهای نگاه نظام‌مند به قرآن

بر اساس آنچه بیان شد نگاه نظام‌مند و سیستمی به قرآن کریم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و دستاوردهای آن عبارت است از:

۱. زمینه‌سازی برای احیای تمدن نوین اسلامی؛
۲. استخراج هدف یا اهداف نزول قرآن کریم مانند هدایت، رحمت، شفا، عدالت، ربوبیت و... و رده‌بندی نظام‌مند و سیستماتیک آن‌ها؛
۳. تعریف مفاهیم قرآن و تفکیک مفاهیم اصلی از مفاهیم و مؤلفه‌های فرعی؛ مانند توحید، ربوبیت، مشیت، انسان، اختیار، آزادی، کرامت، عدالت، اطاعت، شورا، ولایت و...؛
۴. کشف روابط و تناسب میان مفاهیم و مؤلفه‌ها و ایجاد رده‌بندی سیستماتیک آن‌ها؛
۵. ارائه آن مفاهیم در یک کلیت برخوردار از سلسله‌مراتب و مفاهیم اصلی و فرعی به هم پیوسته و تبیین تأثیر و تأثرات آن‌ها بر یکدیگر؛
۶. تفسیر جامع و کامل سیستمی قرآن کریم با هدف استخراج نظریه‌های نوین قرآنی؛
۷. زمینه‌سازی برای پاسخگویی قرآن کریم به نیازها و مسائل جامعه با استفاده از روش استنتاج اطمینان‌بخش.

نتیجه‌گیری

استخراج و نهادینه‌سازی نظام‌های فکری از طریق کشف نظریه‌ها و گزاره‌های شکل‌گیری نظامات جامعه از قرآن کریم، برای حیات فکری جامعه اسلامی، ضروری است؛ با این اقدام افزون بر بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای مثبت نظام‌های بشری، از پیامدهای منفی و آثار زیان‌بار نظام‌های مادی بر جامعه اسلامی جلوگیری می‌شود. هر چند تفسیر ترتیبی (تجزیه‌ای و موضعی) و مطالعات موضوعی قرآن کریم در صیانت و ارتقای تمدن اسلامی نقش آفرین بوده است، اما تطور و رشد جوامع از نظر فکری و حاکمیت نظام‌های برساخته دست بشر، احیای تمدن اسلامی در ظرف زمان حاضر، اصلاح و ارتقای سیستم‌ها و نظام‌های فکری و خرده نظام‌های آن‌ها، ضرورت رویارویی موفق با افکار سیستماتیک مادی و اثبات بعد فراعصری قرآن کریم و بطلان دیدگاه تاریخ‌مندی آن، از اقتضائات مهم عصر جدید برای تمرکز بیشتر بر مطالعات نظام‌مند و سیستمی قرآن کریم و استخراج نظام‌های معرفتی آن و عینیت بخشیدن به آن نظام‌هاست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبة نزار مصطفى الباز.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم، ادب حوزه.
۴. احمد بن علی، جصاص، (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. بلاغی، محمد جواد، بی تا، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی.
۶. بهمنی، سعید، (۱۳۹۷ش)، نظریه پردازی قرآن بنیان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. جوادی، عبد الله، (۱۳۸۸ش)، قرآن در قرآن، قم، اسرا.
۸. حسکانی، حاکم، عبیدالله بن عبد الله، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
۹. حق شناس، علی محمد و همکاران، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۱۰. حسینی، سید علی اکبر، (۱۴۰۰ش)، معناشناسی صداقت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. حوی، سعید، (۱۴۲۴ق)، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام.
۱۲. خوانساری، آقا جمال الدین، (۱۱۲۲ق)، شرح غرر الحکم، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. درویش، محیی الدین، (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن و بیانه، دمشق، دارالارشاد.
۱۴. رضا، رشید و محمد عبده، (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم مشهور به المنار، بیروت، دارالمعرفة.
۱۵. رضاییان، علی، (۱۳۸۳ش)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سمت.
۱۶. صدر، محمد باقر، بی تا، المدرسة القرآنیة: التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزیئی فی

القرآن الکریم، بی جا.

۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۱۹. طوسی، محمد ن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۱. مقریزی، تقی الدین أحمد ن علی، (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۲. ماتریدی، محمد بن محمد، (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنة، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۲۳. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خبرنگاران رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir>؛
۲۴. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir>.